

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۰

الگویابی اسناد کلینی به کتاب زراره بن اعین

سمیرا حاتمی مهر^۱
اعظم فرجامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

چکیده

«زراره بن اعین» از اصحاب اجماع و از پرروایت‌ترین راویان کتاب‌های امامیه است. فهرست‌نگاران امامی طریق خاصی به کتاب او دارند. افزون بر رجال‌شناسان، محدثان از جمله ثقة الاسلام کلینی (۳۲۹ق)، الگو^۳ یا سند ثابتی برای روایات زراره بن اعین داشتند. در این پژوهش با رویکردی نو یعنی؛ استخراج و شمارش تمام روایات

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) s.hatami.mehr@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی azamfarjami@yahoo.com

۳. به مجرا و شیوه‌ای ثابت که نویسندگان برای دستیابی به کتاب و روایات اصحاب ائمه (علیهم السلام) داشتند، الگو گفته می‌شود. الگوی محدثان مانند طرق رجالیان است، اما از آنجا که تعبیر طریق مختص به رجال‌شناسان است، برای محدثان تعبیر الگو در نظر گرفته شد.

زراره در الکافی و سپس یافتن اسنادی که دارای بیشترین فراوانی و تکرار هستند، الگوی ثابت کلینی کشف می‌شود. پس از آن، این الگوی ثابت با طرق رجالی مقایسه می‌شود. در این فرآیند، روایان اولی که حدیث را از زراره گرفتند، یک به یک معرفی و بررسی می‌شوند. از نتایج به دست آمده آن است که میزان تطابق سند روایات با طرق و الگوهای ثابت و کشف شده، درجه اعتبار احادیث را مشخص می‌نماید. افزون بر آن، با استفاده از الگوهای کشف شده، تصحیف، ارسال و ضعف اسناد برطرف می‌شود. بنابراین اگر اسناد کلینی از غیر شیوه و الگوهای مألوف و مشهور به کتاب زراره باشد، معمولاً از میزان اعتبار کمتری برخوردار است. در این موارد چنین حدس زده می‌شود که گویی مؤلف الکافی، از منبع غیر موثقی به روایات زراره بن اعین دست یافته؛ زیرا روایانی مجهول، ضعیف یا غیرامامی در این اسناد، فراوان یافت می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: الکافی، رجال حدیث، الگویابی سندی، نقد

سندی، زراره بن اعین.

مقدمه

نویسندگان مسلمان در سده‌های نخستین و میانی (سده پنجم و پیش از آن) برای نگارش کتابهای حدیثی اسناد ثابتی به منابع خود داشتند؛ توجه به اسناد مختلف یک روایت و مقایسه آنها برای اعتبارسنجی روایات، راه قابل توجهی است که با کمک آن روایات کم‌اعتبار راوی صاحب کتاب به دست می‌آید؛ زیرا هرگاه روایتی خارج از قاعده الگوی ثابت باشد؛ معمولاً محتوایی خدشه‌پذیر و سست دارد.

از سوی دیگر با توجه به این الگو می‌توان اسناد دیگر احادیث همان راوی را بازسازی و یا ترمیم کرد؛ زیرا در موارد زیادی سند مرسل^۱، مصحف^۲ یا مزید^۳ است و به خاطر دیگر نقایص سندی ضعیف محسوب می‌شود. تحلیل اسناد همچنین در شناخت اطلاعات تاریخی روایات راهگشاست؛ بدین معنا که روایات به لحاظ تاریخی به چه فرد یا افرادی انتساب می‌یابند و مصدر حقیقی روایات چه کسی است، به عبارتی روایت از چه شخصی انتشار می‌یابد. وجود چنین راوی در اسناد روایات باعث ارزش و اعتبار احادیث می‌شود که در اصطلاح «حلقه مشترک» نامیده می‌شود (نک: آقایی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۵۰).

در انتهای نوشتار نام مهمترین حلقه‌های مشترک که در الگوی کلینی و طرق رجالی مشابه بود در جدولی ارائه شده است. این روش، پیشینه در شیوه تحقیق محققانی چون آیت الله بروجردی^۴ و نیز خوتیر یئیل^۵ نیز دارد که البته در مواردی همراه با ضعف و اشکال

۱. مرسل به حدیثی که از سلسله سند یک نفر یا بیش از یک نفر حذف گردیده اطلاق شده است، بنابراین گاهی مرسل به معنی مقطوع یا معضل نیز به کار می‌رود و شامل مرفوع و معلق نیز می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ۱۳۷).

۲. مصحف حدیثی است که قسمتی از سند یا متن آن به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته باشد؛ مانند تصحیف حرز به جریر (غفاری، ۱۳۶۹ش، ص ۴۲).

۳. مزید روایتی است که در متن یا سند آن، زیادتی وجود داشته باشد که در حدیث همسان آن نیست (شهید ثانی، همان، ص ۱۲۱).

۴. آیت الله حسین طباطبائی بروجردی در سال ۱۲۹۲ هجری قمری در شهر بروجرد دیده به دنیا گشود و در سال ۱۳۷۲ در قم از دنیا رفت. ایشان در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید و از همان ایام مشغول تدریس فقه و اصول و تألیف و تصنیف شد؛ از جمله آنها نقد اسانید است که ایشان در کتب مذکور سندهای احادیث کتاب کافی و تهذیب و استبصار و خصال و علل الشرایع و امالی صدوق و غیر اینها را از متون آنها مجزا کرده است. تعیین تعداد روایت راویان و شخصیت‌های آنان، بدست آوردن حذف واسطه، معلوم شدن تحریف و تصحیف، تعیین طبقات و تمیز مشترکات از فواید و دستاوردهای نقد اسانید است (نک: هیئت تحریریه، «زندگینامه آیت الله بروجردی»، مجله مکتب اسلام، ۱۳۴۰ش، ص ۴-۴۰).

۵. Gautier A. Juynboll مستشرق هلندی که در سال ۱۹۳۵ متولد شد و در سال ۲۰۱۰ از دنیا رفت. از اواخر دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۶۰ به تحصیل در دانشگاه لیدن مشغول بود. او مدیر مرکز UEAI (مرکز اروپایی - تخصصی اسلام شناسی به زبان عربی) بود. از تالیفات او می‌توان به «پژوهشهایی در وقایع نگاری، منشأ و نگارش حدیث» و «جامعه نخستین اسلامی» اشاره نمود (www.ueai.info). به نظر او اسانید روایات حاوی اطلاعات ارزشمندی است که غالباً حدیث پژوهان غربی به آنها بی توجه بوده‌اند.

وی با بهره گیری از نتایج پژوهش‌های انجام یافته پیشین شیوه خاصی برای تحلیل اسانید ابداع کرده است. به نظر وی تا زمانی که نقش راویان موجود در اسانید روایت در جعل، عبارت سازی، داستان پردازی، گزینش یا صرفاً نقل متون

است. اهمیت این روش وقتی بیشتر روشن می‌شود که دانش رجال به سبب محدودیت و نقصان منابع خود، در بسیاری از موارد توانایی شناسایی رجال سند را ندارد و نمی‌توان تنها با ملاک رایج کنونی (ارزیابی وثاقت یک‌یک افراد سند) به صحت یا ضعف سند و در نتیجه متن حکم داد. این پژوهش به الگویابی سندی «زراره بن اعین» در «الکافی»، وضعیت رجالی زراره و روایانش، تعیین حلقه مشترک و اعتبار سنجی روایات زراره با استفاده از تحلیل اسناد و مقایسه طرق کلینی و فهرست نویسان به کتاب زراره می‌پردازد.

۱. وضعیت رجالی زراره بن اعین

نام اصلی زراره، عبدربه و ملقب به ابوحسن، فرزند اعین بن سُئُن از موالی شیبان است (طوسی، بی‌تا، ص ۲۰۹). وی قاری، فقیه، متکلم، شاعر و از مشایخ برجسته عصر خود بود (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۶). رجالیان او را مدح (نک: نجاشی، همان؛ ابن داود، ۱۳۸۳ق، ص ۱۵۵) و توثیق نموده‌اند (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۳۷؛ علامه حلی، همان). اصحاب ائمه (علیهم السلام) نیز به مکانت علمی و موقعیت برتر او اعتراف داشتند (نک: کشی، ص ۱۳۴). شیخ مفید، نام زراره را جزو طبقه اول متکلمین شیعه و از اصحاب ائمه (علیهم السلام) آورده است (نک: همو، ۱۹۹۳م، ج ۱، ص ۲۵۴) و ابن ندیم (۴۳۸ق) در الفهرست، زراره را بزرگترین عالم شیعه در فقه، حدیث، کلام و شناخت مذهب تشیع می‌داند (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۲۷۶).

در برابر روایات زیادی که در مدح زراره وارد شده، اندک روایاتی در ذم وی در رجال کشی وجود دارد (همو، ص ۱۴۵-۱۴۹) که با توجه به نظریات علمای شیعه از حیث سند دچار ضعف و اشکال بوده است و اغلب راویان این احادیث مجهول و ضعیف هستند (برای اطلاعات بیشتر نک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۴۵؛ بروجردی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۷۸؛ سید امین، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۴۹-۵۱). بنابراین صدور آنها از ناحیه معصوم قابل اثبات نیست.

مستند به این اسناد بررسی نشود؛ فهرست برداری ساده اسناد نه تنها نتیجه‌ای در بر ندارد؛ بلکه فقط به آشفتگی موضوع می‌انجامد (نک: آقایی، ۱۳۸۵ش، ۱۴۵-۱۶۸).

همچنین اینگونه روایات به تصریح امام صادق (علیه السلام) به دلیل حفظ جان زراره از دشمنانش و از روی تقیه بوده است (نک: کشی، ص ۱۳۹).
زراره از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت می‌کرد (طوسی، همان). دریافت و نقل نزدیک به دو هزار حدیث بی‌واسطه و مستقیم از آنها (نک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۴۷) نشان از همت والا و استعداد زراره در حفظ معارف دینی است.^۱ همچنین رجالی‌ها برای زراره کتب و تصنیفاتی قائلند، اما تنها یک مورد را در کتب خود آوردند؛ کتاب *الأستطاعه و الجبر* (نک: نجاشی، ص ۱۷۵؛ طوسی، بی‌تا، ص ۲۰۹) و نامی از دیگر آثار زراره در میان نیست.

زراره در سال ۱۴۸ هجری فوت نمود (نک: کشی، همان، ص ۱۴۲؛ زراری، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۳۵) که با توجه به سال وفاتش و اینکه عمر او را هفتاد سال گفته‌اند (زراری، همان، ص ۲۷ و ۲۸) پس سال تولدش هم ۸۰ یا ۷۸ هجری است.

۲. وضعیت رجالی راویان اول زراره

در این قسمت راویان اول زراره؛ یعنی روایتی که در سند بعد از زراره قرار می‌گیرند و ناقل بیش از سی روایت از او هستند، مشخص نمودیم که به هفت نفر می‌رسند: حریر بن عبدالله سجستانی، عبدالله بن بکیر، عمر بن اذینه، جمیل بن دراج، ابان بن عثمان احمری، موسی بن بکر و علی بن رئاب.

۱-۲. حریر بن عبدالله سجستانی أبو محمد أزدی (ز ۱۴۸ ق)

تفه و اهل کوفه اما در سجستان زندگی می‌کرد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۶۳). در منابع رجالی شیعه و اهل سنت از او به عنوان یکی از مشایخ شیعه یاد شده است (ابن ندیم، ص ۲۷۵؛ دارقطنی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۶۵؛ ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۶). از تألیفات

۱. البته طوسی و برقی زراره را از راویان امام موسی کاظم (علیه السلام) هم می‌دانند (نک: همو، ۱۳۸۱ق، ص ۳۳۷)، اما زراره روایتی از ایشان در کتب حدیثی ندارد.

حریز، کتاب «الصلوة»، «النوادیر» (نجاشی، ص ۱۴۴)، «الصوم» و «الزکاة» (طوسی، بی تا، ص ۶۳) است.

البته با توجه به حریز نزدیک به $\frac{2}{3}$ از کتاب «الصلوة» را به نقل از زرارۀ نوشته شاید بهتر باشد به تعبیر امروزی او را ویراستار کتاب «الصلوة» زرارۀ "بدانیم تا اینکه مؤلف باشد. تعداد روایات حریز بیش از ۱۳۲۰ روایت است که مشخص می کند او یک محدث پرکار بوده و عموم این روایات به نقل از دو فقیه برجسته شیعه در کوفه؛ زرارۀ بن اعین (۴۴۸ روایت) و محمد مسلم (۳۳۲ روایت) است (نک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۵۳ و ۲۵۴).

۲-۲. ابوعلی عبدالله بن بکیر بن أعین (ز ۱۴۸ ق)

او از موالی بنی شیبان و راوی امام صادق (علیه السلام) (نجاشی، ص ۲۲۲) و از اصحاب اجماع (کشی، ج ۱، ص ۳۴۵ و ۳۷۵) به شمار می رود. طوسی وی را با وجود فطحی بودن، ثقه می داند (نک: همو، بی تا، ص ۱۰۶). علامه حلی نیز می گوید: من به روایت های او اعتماد می کنم؛ اگرچه فاسد المذهب است (نک: حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۰۶). اما برخی دیگر همچون شهید ثانی (نک: همو، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۱۲۸) و محقق حلی (نک: همو، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۱۱)، روایت های او را به دلیل فطحی بودن نپذیرفته اند.

طوسی و نجاشی او را صاحب کتابی می دانند که راویان زیادی آن را نقل کردند (طوسی، همان، ص ۱۰۶؛ نجاشی، ص ۱۲۵) همچنین مسند عبدالله بن بکیر را «احمد بن محمد بن سعید کوفی» (۲۴۹-۳۳۳ ق) معروف به ابن عقده نوشته است (نجاشی، ص ۹۴؛ طوسی، همان، ص ۲۹).

حدود ۹۰۰ روایت از او در کتب اربعه وجود دارد (خویی، همان، ج ۱۰، ص ۱۲۶؛ ج ۲۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۱). از این تعداد ۲۷۰ مورد آن را از زرارۀ نقل می کند (همان). گفتنی است که بیشتر روایات زرارۀ در دو کتاب کهن روایی؛ «المحاسن» (نک: برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، صص ۷۹، ۱۰۷، ۱۰۸ و ...) و «بصائر الدرجات» (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، صص ۶۷، ۲۸۹، ۳۴۷ و ...) به روایت ابن بکیر است.

۲-۳. عمر بن محمد بن عبدالرحمن بن اذینه (ز ۱۸۳ ق)

او در بصره زندگی می کرد (نجاشی، ص ۲۸۳) اما اهل کوفه بود و در یمن از دنیا رفت (کشی، ص ۳۳۴). ابن اذینه را ثقه معرفی کرده اند^۱ (طوسی، بی تا، ص ۱۱۳). وی کتابی بنام «الفرائض» درباره احکام ارث دارد (طوسی، همان) که آن را به تمامی بر زراره عرضه نمود و در نقل روایاتش از او اجازه گرفت (نک: کلینی، ج ۷، ص ۹۴). «الفرائض» را ابن ابی عمیر آن را روایت می کند (نجاشی، ص ۲۸۳). بالغ بر ۴۸۲ روایت از او در کتب اربعه نقل شده که ابن اذینه بیشتر آنها را (۱۸۴ روایت) از طریق زراره بن أعین و از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است (خویی، همان، ج ۱۳، ص ۲۰ و ۲۱). موضوع روایات عمر بن اذینه از زراره بیشتر درباره نماز و طهارت است.

۲-۴. جمیل بن درّاج بن عبدالله اَبی علی نخعی (قبل ۲۰۳ ق)

او ثقه، از صاحبان اصل و کتاب و از راویان امام ششم و امام هفتم است (طوسی، بی تا، ص ۴۴؛ نجاشی، ص ۱۲۶). کشی او را کوفی و یکی از شش فقیه برجسته شیعی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) معرفی می کند (همو، ص ۲۵۱). جمیل تا مدتی کوتاه پس از شهادت امام موسی کاظم (علیه السلام)، در امامت امام رضا (علیه السلام) شک داشت و از این رو جزء واقفیه به شمار می آمد، اما وی پس از ملاحظه شواهد دال بر امامت امام رضا (علیه السلام) از دیدگاه واقفیه عدول کرد (نک: طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۱). دفتر حدیث او از طرق متعدد از جمله ابن ابی عمیر (۲۱۷ق) و صفوان بن یحیی (۲۱۰ق) روایت شده است (نک: طوسی، بی تا، ص ۴۴؛ نجاشی، همان).

او با نام «جمیل بن دراج» و «جمیل» ۹۴۲ روایت در کتب اربعه دارد که ۱۸۸ مورد آن به نقل از زراره است (نک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۶، ۱۵۲). روایات جمیل از زراره در موضوعات مختلفی است اما بیشتر درباره نماز و طهارت از او نقل می کند.

۱. محدث نوری، وثاقت ابن اذینه را مورد اتفاق همه محدثان و رجال شناسان شیعه می داند (نک: همو، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۳۶).

۲-۵. ابان بن عثمان أحمري بجلی (۱۲۸- ز ۱۸۳ ق)

او اهل کوفه و از موالی بجلیه بود و از امام صادق و امام موسی کاظم (علیهما السلام) روایت می‌کرد^۱ (نجاشی، ص ۱۳؛ طوسی، بی‌تا، ص ۱۸). ابن ابی عمیر او را حافظ‌ترین راویان می‌داند (نک: ابن حجر، ۱۹۷۱م، ج ۱، ص ۲۱) و کشی او را بصری الاصل، ساکن کوفه، از اصحاب اجماع و ناووسی^۲ معرفی کرده است (همو، ص ۳۵۲). برخی می‌گویند ناووسی بودن ابان، نسبتی نارواست؛ زیرا ممکن است عبارت «وکان من الناووسیة» تصحیفی از «وکان من القادسیة»^۳ باشد (نک: صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۸۴). نام ابان بن عثمان در کتاب‌های روایی و رجالی اهل سنت فراوان است، اما جرح و قدح صریحی درباره او یافت نشد (ابن حبان بستی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱) و بیشتر به عنوان استاد سیره نویسان و مغازی نگاران از او یاد می‌شود (نک: ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵، صص ۸۷، ۲۰، ص ۱۵۶).

نکته دیگر آن که اگر یک راوی نام آور شیعه در کتاب‌های رجالی اهل سنت ذکر شود، به رافضی بودن یا تشیع وی نیز اشاره می‌شود، اما درباره ابان بن عثمان چنین نکته‌ای دیده نشد (فرجامی، ۱۳۹۰، ص ۴۷). المتبدأ، المبعث، المغازی، الوفاء، السقیفه والردة از تألیفات اوست (نجاشی، همان؛ طوسی، همان). در منابع اهل سنت آمده که ابان بن عثمان در سال ۲۰۰ هجری فوت کرده است (زرکلی، ۲۰۰۲، ج ۱، ص ۲۷۶). با توجه به اینکه او از اصحاب جوان امام صادق (علیه السلام) بوده (کشی، همان، ص ۳۷۵)، سال تولد او را حدود ۱۲۸ هجری قمری می‌توان تخمین زد. طبق شمارش خوبی، بیش از ۷۰۰ روایت با

۱. لازم به ذکر است تشابه اسمی سبب شده است تا برخی به خطا، پسر عثمان بن عفان را بجای ابان امامی مذهب قرار دهند. از جمله فؤاد سزگین در بیان سیره نویسان عصر اول، نوشته است که منقولاتی از ابان بن عثمان بن عفان در تاریخ یعقوبی آمده است. این در حالی است که یعقوبی، تصریح به نقل ابان از امام صادق (علیه السلام) دارد و روشن است که پسر عثمان نمی‌تواند راوی امام صادق (علیه السلام) - متولد سال ۸۰ هجری - باشد (نک: مدرسی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹). همچنین راوی دیگری به نام ابان بن تغلب (۱۴۱ ق) هم وجود دارد که او هم شیعی است و تمیز این دو نفر از هم با توجه به راویان قبل و بعد از آن صورت می‌گیرد.

۲. فرقه‌ای از شیعه که امام صادق (علیه السلام) را زنده و مهدی موعود می‌پنداشتند (نک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۵).

۳. قادسیه مکانی است که جنگ معروف میان مسلمانان و ایرانیان در آنجا اتفاق افتاد، همچنین نام روستایی میان کوفه و عذیب است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۷۰).

عنوان ابان بن عثمان در کتب روایی وجود دارد (نک: خویی، همان، ج ۱، ص ۱۶۲). موضوع روایات ابان از زراره در مباحث مختلفی راه یافته، اما نسبت روایات حج و حدود به دیگر موضوعات فزونی دارد.

۲-۶. موسی بن بکر واسطی (ز ۱۸۳ ق)

موسی بن بکر واسطی اهل واسط و در کوفه سکونت داشت. وی از امام صادق (علیه السلام) (نجاشی، ص ۴۰۷؛ طوسی، بی تا، ص ۱۶۲) و امام کاظم (علیه السلام) روایت می کرد (نجاشی، همان؛ نک: کشی، ص ۴۳۸). لازم به ذکر است موسی بن بکر توثیق صریحی ندارد. طوسی وی را از واقفی ها می داند (رجال طوسی، ص ۳۴۳). نجاشی و طوسی برای موسی بن بکر از کتابی خبر می دهند که آن را علی بن حکم (نجاشی، همان)، ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی روایت کردند (طوسی، بی تا، ص ۱۶۲). طبق شمارش خویی، موسی بن بکر واسطی ۲۸۵ روایت دارد که ۱۲۷ مورد آن از زراره است (نک: خویی، همان، ج ۱۹، ص ۲۲ و ۳۰ و ۳۱).

۲-۷. ابوحسن علی بن ربیع طحان (ز ۱۸۳ ق)

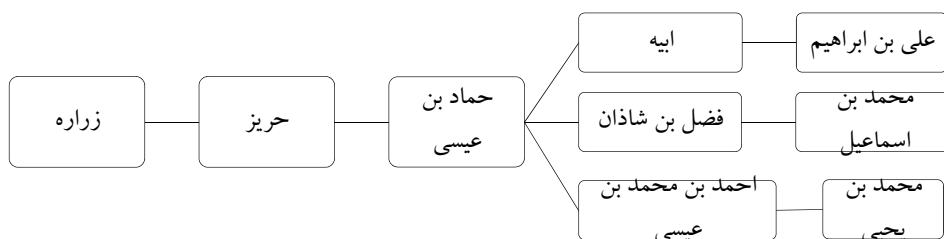
او از موالی کوفه (نجاشی، ص ۲۵۰)، ثقه (طوسی، ص ۲۴۶) و از راویان امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) بود. کتاب الوصیة و الإمامة، کتاب الدیات (نجاشی، ص ۲۵۰) و اصل بزرگی که راوی همه آنها حسن بن محبوب است (طوسی، ص ۸۷) از تالیفات اوست. بیشتر از ۴۸۵ حدیث از «ابن رثاب» در منابع روایی وجود دارد که ۹۱ روایت آن از زراره است (خویی، ج ۱۲، ص ۱۸ و ۱۹) که موضوع طلاق، ارث و حج آمار بالاتری نسبت به سایر موضوعات دارند.

۳. الگویابی و مقایسه با طرق رجالی

برای کشف الگوی سندی روایات زراره، اسنادی که به نقل از راویان اولش (هفت نفر) بود، استخراج کردیم. گفتنی است کل روایات زراره در الکافی ۷۲۱ روایت است که

۵۷۹ مورد آن را (۸۰٪) هفت راوی از او روایت می‌کنند.^۱ اسنادی که فراوانی بیشتری نسبت به دیگر اسناد داشت را به عنوان الگوی سندی کلینی در نظر گرفته و همچنین طرق رجالی را که با آن تطابق و تشابه دارد نیز معرفی نمودیم. هر کدام از این الگوها در واقع یکی از شیوه‌های دستیابی کلینی به کتاب زراره محسوب می‌شود.

۳-۱. الگوی کلینی (حریز عن زراره)



۱
۲
۳

حریز ۱۶۴ روایت را بدون واسطه از طریق زراره نقل می‌کند و از این تعداد ۱۵۲ روایت (۹۱٪) از الگو بدست آمده (کل نمودار بالا) پیروی می‌کند. از روایات حریز از زراره ۱۵۰ سند تابع الگوی شماره یک هستند و همین الگوی اصلی کلینی است. الگوی دوم در سی و هفت روایت و الگوی سوم در بیست و یک سند جاری است.^۲

گفتنی است الگوی سوم در طریق طوسی نیز وجود دارد، اما از آن جهت که احمد بن محمد بن عیسی (۲۴۰ ق) مستقیم از حماد نقل می‌کند، با طریق طوسی تفاوت دارد. لازم به توضیح است که روایت مستقیم و بدون واسطه احمد بن محمد بن عیسی از حماد، چندان بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا حماد تا عصر امام رضا (علیه السلام) که احمد بن عیسی وارد

۱. قابل توجه است که کل روایات زراره در آثار کلینی، طوسی و صدوق ۲۳۶۹ روایت است که ۱۸۴۷ مورد (نزدیک به ۸۰ درصد) آن را همین هفت راوی؛ حریز بن عبدالله سجستانی، عبدالله بن بکیر، عمر بن اذینه، جمیل بن دراج، ابان بن عثمان احمری، موسی بن بکر و علی بن رثاب از زراره روایت می‌کنند (نک: حاتمی مهر، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

۲. لازم به ذکر است که برخی روایات بیش از یک سند دارند، به همین خاطر آماری که از اسناد تابع الگو ارائه شده است، بیش از مجموع روایات است. به عبارتی اسناد به صورت تحویل هستند؛ اگر محدث متنی را به دو سند یا بیشتر نقل نماید، آن را تحویل می‌گویند و حرف «ح» را به عنوان رمز انتقال از سندی به سند دیگر به کار می‌گیرند (نک: غفاری، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۸۷).

عرصه حدیث می شود (نک: طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۷۳) در قید حیات بود. همچنین آمار نقل مستقیم احمد بن محمد بن عیسی از حماد بن عیسی، در کتب اربعه حدود چهل مورد است که آمار اندکی نیست.

در ضمن شیخ مفید هم در الامالی (نک: همو، ۱۴۱۳ق، ص ۹) و قبل تر از او، خود احمد بن محمد بن عیسی در النوادر (نک: همو، ۱۴۰۷ق، ص ۹۶) نمونه آن را دارند. با این وجود ممکن است در تمامی این نقل های مستقیم، واسطه از سند افتاده باشد؛ زیرا احتمال دارد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (۲۴۰ق) ساکن قم، دفاتر حدیثی حماد بن عیسی کوفی (۲۰۹ق) را با واسطه به دست آورده و او یا روایانش (اغلب محمد بن یحیی) واسطه این دفاتر را حذف کرده باشند.

کلینی در ده روایت بدل از حماد بن عیسی، روایان دیگری می آورد که در نتیجه ناسازگاری با الگو از اعتبار آنها کاسته می شود.^۱

۱. آن روایان عبارتند از:

«یونس بن عبدالرحمن» (ج ۱، ص ۵۸) که قمی ها او را تضعیف کردند، اما طوسی و نجاشی او را ثقه می دانند (نک: نجاشی، ص ۴۴۶؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۴۶)،

«عبدالله بن بحر» (ج ۵، ص ۴۰۵؛ ج ۷، ص ۹۳)؛ ضعیف و مرتفع القول (غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۷۶)، «ابوعلی حذاء» (ج ۲، ص ۳۱۹) که نامش در کتاب های فهرست نویسان نیامده و جز همین یک روایت، روایت دیگری در کتب اربعه و دیگر منابع روایی از وی یافت نشد،

«یاسین ضریر» (ج ۴، ص ۱۴۶؛ ج ۲، ص ۶۲۹؛ ج ۴، ص ۵۰۴؛ ج ۵، ص ۱۴۷)؛ نجاشی می گوید که او هنگامی که در بصره بود امام موسی کاظم (علیه السلام) را ملاقات نمود (همو، ص ۴۵۳)، پس یاسین ضریر (ز ۱۸۳ق) امکان ملاقات با حریر (ز ۱۴۸ق) را هم داشته است. در ضمن او حدود سی و پنج روایت در کتب اربعه و یک مورد در بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۸) از حریر دارد،

«سلیمان بن محمد» (ج ۴، ص ۴۵۵)؛ خوبی سلیمان بن محمد را همان سلیمان بن محمد خثعمی (نک: همو، ج ۸، ص ۲۷۸) معرفی می کند که وضعیت رجالی او مجهول است. خوبی همچنین نظر بر اتحاد با فردی دارد که او نیز سلیمان بن محمد نام دارد و برقی (همو، ۱۳۸۳ق، ص ۱۳) او را از اصحاب امام باقر (علیه السلام) معرفی می کند (نک: همان). این نظریه درست نیست؛ زیرا گفتیم حریر از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است، پس چگونه یک راوی از طبقه متقدم (سلیمان بن محمد) می تواند ناقل از طبقه متأخر (حریر) باشد. همچنین نقل محمد بن حسین بن ابی خطاب (۲۶۲ق) از صحابه امام باقر (علیه السلام) (۱۱۴ق) غیرممکن است.

«سلیم» (ج ۵، ص ۴۶۹) و «ابی عبدالله الفراء» (۵، ص ۲۱۶)؛ نام راوی حریر بین سلیمان مولی طربال (نک: نجاشی، ۱۳۵؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ۱۳۷) و ابوعبدالله فراء (نک: طوسی، بی تا، ۵۳۱) و راوی موثق؛ سلیم فراء (نک: نجاشی، ۱۹۳) مشترک است. برخی سلیمان مولی طربال و سلیم فراء را یکی می دانند (نک: خوبی، ۱۴۱۰ق، ۸، ص ۲۳۰) که به نظر

تصحیح؛

برخی از این روایات دارای تصحیف (یک مورد) و ارسال هستند (یازده مورد) و راویان بعد از حریز و گاه راویان بعد از حماد در سند وجود ندارد که بر اساس الگوی سندی این نقصان جبران می‌شود:

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد بن عثمان عن حریز عن زرارة و محمد بن مسلم (ج ۳، ص ۱۴۴)؛ به نظر می‌رسد به علت تشابه اسمی، سهوی به جای حماد بن عیسی (۲۰۹ ق)، حماد بن عثمان (۱۹۰ ق) ثبت شده باشد؛ زیرا سند مطابق الگوی کلینی است و تنها درباره راوی حریز اشتباه و تصحیف رخ داده است؛ چنانکه علامه خوبی نیز در معجم الرجال الحدیث بیان داشته که بعید می‌نماید ابراهیم بن هاشم از حماد بن عثمان روایت و یا حتی او را ملاقات نموده باشد؛ زیرا حماد در زمان بعد از امام هفتم (علیه السلام)، سال ۱۹۰ هجری از دنیا رفته، حال آنکه ابراهیم بن هاشم از اصحاب امام جواد (علیه السلام) (۲۲۰ ق) است و از ایشان روایت دارد (نک: همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ج ۶، ص ۲۲۰).^۱

- علی بن محمد عن بعض أصحابنا عن ابن أبي عمير عن حریز عن زرارة (ج ۱، ص ۳۸۸)؛ سند مرسل است؛ زیرا روایت «محمد بن ابی عمیر» (۲۱۷ ق) از حریز (ز ۱۴۸ ق)

همین طور است؛ زیرا هر دو راوی اهل کوفه هستند (نک: نجاشی، همان؛ طوسی، همان). البته بهتر است بگوییم هر سه نفر یکی هستند؛ زیرا طوسی نام ابوعبدالله فراء را در فهرست افرادی می‌آورد که به کنیه معروف هستند و نامشان مجهول است (نک: طوسی، همان). پس ممکن است، ابوعبدالله الفراء کنیه سلیمان (سلیم) باشد. همچنین طوسی برای ابوعبدالله کتابی ذکر می‌کند که ابن ابی عمیر (۲۱۷ ق) راوی آن است (نک: همان). با توجه به اینکه راوی کتاب سلیم فراء هم ابن ابی عمیر است (نک: نجاشی، همان)، احتمال یکی بودن آنها قوت می‌یابد. افزون بر این چنانکه در سند هم دیده می‌شود ابن ابی عمیر راوی هر سه آنهاست. چنین استنباط می‌شود که نام سلیمان در برخی روایات به سلیم تصحیف شده باشد؛ زیرا برقی در رجال خود چنین می‌آورد: «سلیمان بن عمران الفراء، مولى طربال کوفی» (همو، ۱۳۸۳ ق، ص ۳۲).

گزارش برقی از نام راوی کاملتر به نظر می‌رسد. همچنین در کتاب النوادر اشعری (همان، ص ۹۱ و ۹۲) که مربوط به قرن سوم هجری می‌شود و یا الاختصاص شیخ مفید (همان، ص ۱۹۵) نام سلیمان ضبط شده است.

۱. درباره ملاقات و مصاحبت ابراهیم بن هاشم با امام رضا (علیه السلام) بین رجالیان اختلاف نظر است؛ طوسی او را از اصحاب امام رضا (علیه السلام) می‌داند که ایشان را ملاقات کرده است (همو، بی‌تا، ص ۱۱) و کشی هم او را از شاگردان یونس بن عبدالرحمن و از اصحاب امام رضا (علیه السلام) گفته است، اما نجاشی ضمن ذکر نظر کشی درباره آن تردید دارد (همو، ۱۶). به نظر نمی‌رسد، تردید به جا و صحیح باشد؛ زیرا ممکن است، ابراهیم امام هشتم (علیه السلام) را ملاقات کرده باشد، اما حدیثی نشنیده و یا در سن روایت نبوده است.

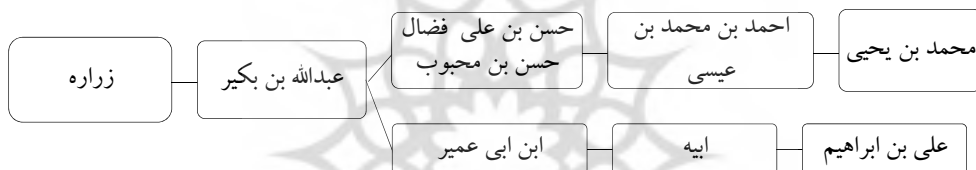
ثابت نیست. او در طبقه متأخر از حریر قرار می‌گیرد، بلکه مطابق با طریق نجاشی و طوسی، وی به واسطه حماد بن عیسی (۲۰۹ ق) - که از سند افتاده است - از حریر حدیث می‌گوید (نک: نجاشی، ص ۱۴۵؛ طوسی، بی تا، ص ۱۶۲).

- حماد عن حریر عن زراره (ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۴ و ۵؛ ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۵؛ ج ۳، صص ۴۶۴، ۵۲۴، ۵۳۰، ۵۴۱، ۵۴۶؛ ج ۴، ص ۵۱۶؛ ج ۵، ص ۲۷۹، ح ۴)؛ این اسناد دچار تعلیق و ارسال هستند که با کمک الگوی اول و بعضاً اسناد قبل از آنها بازسازی می‌شوند.

- حریر عن زراره (ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۱)؛ با توجه به روایت قبل از آن (ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۲) و الگو روایات، بر اساس الگوی اول کلینی بازسازی می‌شود.

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد عن زراره (ج ۵، ص ۳۴۶، ح ۶، ص ۴۴۷)؛ با توجه به الگوی اول کلینی، سند مرسل و راوی افتاده «حریر بن عبدالله» است.

۲-۳. الگوی کلینی (ابن بکیر عن زراره)



عبدالله بن بکیر راوی ۱۰۱ حدیث از زراره در الکافی است که ۷۰ روایت تابع الگوی به دست آمده هستند. الگوی کلینی (حسن بن علی بن فضال از عبدالله بن بکیر) با طریق طوسی تطابق دارد و اختلاف تنها در مشایخ روایی آنهاست. کلینی علاوه بر الگوی اول که الگوی مشهور و پر کاربرد او محسوب می‌شود، الگوی فرعی (شماره ۲) در دستیابی به روایات ابن بکیر دارد که مختص خود اوست و در هشت روایت جاری است.

نقل ابن بکیر از زراره همواره مستقیم است، جز در یک سند که قابل بررسی است:

- محمد عن أحمد عن ابن محبوب عن ابن بکیر عن علی بن رثاب عن زراره (ج ۶، ص ۱۰۷)؛ به نظر می‌رسد نام علی بن رثاب به سند اضافه شده و سند مزید باشد؛ زیرا ابن بکیر همواره از زراره بی‌واسطه حدیث می‌گوید و علی بن رثاب و ابن بکیر هر دو از

شاگردان زراره هستند. همچنین جز در همین روایت چنین نقلی صورت نگرفته است. در حالت دوم می‌توان گفت بین ابن بکیر و واسطه او «و» معطوف بوده که به «عن» تصحیف شده است؛ چنانکه در روایتی از الکافی (کلینی، ج ۵، ص ۴۳۱) و التهذیب (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۴۷۸) چنین است.

در بخش وضعیت رجالی عبدالله بن بکیر گفته شد، کتاب او را راویان زیادی نقل کرده‌اند؛ پس از حسن بن علی بن فضال (۲۲۴ق) به ترتیب محمد بن ابی عمیر، حسن بن محبوب، قاسم بن عروه، صفوان بن یحیی و علی بن حکم بیشترین سهم را در نقل روایات ابن بکیر در کتاب کلینی دارند.

- عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن ابن بکیر عن زرارة (ج ۱، ص ۴۶۷؛ ج ۶، ص ۵۵۲)، عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب قال أخبرني ابن بکیر عن زرارة (ج ۷، ص ۷۶)؛ أحمد بن محمد عن ابن فضال عن ابن بکیر عن زرارة (ج ۵، ص ۳۵۱، ح ۱۳ و ۱۴؛ ج ۷، ص ۴۴۲)؛ مقصود از «عدة من أصحابنا» در ابتدای سند محمد بن یحیی است.

- علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن ابن بکیر عن زرارة (ج ۶، ص ۶۲)؛ عبارت «بعض اصحابه» اضافه و سند از نوع مزید است؛ زیرا براساس الگوی دوم، ابن ابی عمیر از ابن بکیر مستقیم نقل می‌کند.

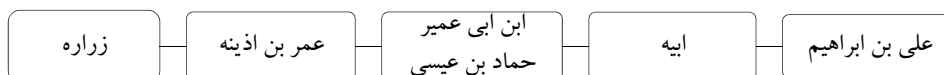
- ابن محبوب عن ابن بکیر عن زرارة (ج ۶، ص ۶۵، ح ۱۹۰)؛ راویان افتاده از سند، محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن عیسی هستند.

- علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حفص بن سوقة عن ابن بکیر عن زرارة (ج ۷، ص ۴۶۲)؛ محمد بن ابی عمیر مخالف الگوی دوم کلینی، در نقل از ابن بکیر واسطه گرفته است. «حفص بن سوقة» از راویان ثقة امام ششم و هفتم (علیه السلام) است (نک: نجاشی، ص ۱۳۵). پس هم طبقه عبدالله بن بکیر محسوب می‌شود.

نکته مهمتر روایتی از التهذیب است؛ عنه عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي بكر عن حفص بن سوقة و عبدالله بن بکیر عن زرارة (ج ۸، ص ۳۰۰)؛ با اینکه بین حفص و ابن بکیر «و» آمده، اما ارتباطی میان آن دو ایجاد نمی‌کند.

در واقع محمد بن ابی بکر یک بار از حفص و یک بار از ابن بکیر حدیث می گوید. پس ممکن است در سند مورد اشکال نیز «عن» بدل از «و» آمده باشد؛ به این صورت که ابن ابی عمیر یک بار ناقل از حفص و یک بار ناقل از ابن بکیر شده باشد.

۳-۳. الگوی کلینی (ابن اذینه عن زراره)



عمر بن اذینه در کتاب *الکافی* راوی ۹۸ حدیث از زراره بن اعین است که در ۹۳ روایت، طریق کلینی به ابن اذینه مطابق سند رسم شده است. نقل ابن اذینه از زراره در تمامی این روایات بدون واسطه است.

گفتنی است که حماد بن عیسی (۲۰۹ ق) در چهار سند، راوی عمر بن اذینه است و باقی روایاتی که تابع الگو هستند به نقل ابن ابی عمیر انجام می گیرد. همچنین در یک سند هم (ج ۶، ص ۶۴: حماد بن عیسی او ابن ابی عمیر) نام واسطه بین ابن ابی عمیر و حماد بن عیسی مردد است. در *التهدیب* هم به همین صورت آمده (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۸، ص ۳۸) که با توجه به الگوی کلینی و طرق رجال شناسان، ابن ابی عمیر ارجح است.

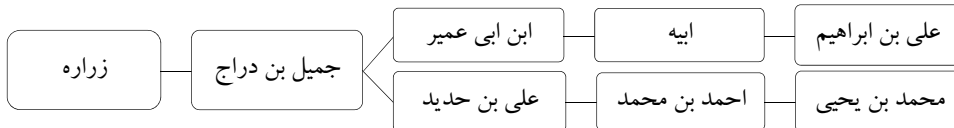
الگوی کلینی که در مجرای مکتب قمی ها است و عامل انتقال ابن ابی عمیر و سپس حماد بن عیسی هستند مختص محدثان و متفاوت با طرق رجالی است که نشان می دهد محدثان از اسناد قمی ها (علی ابراهیم و پدرش) برای زراره استفاده کردند اما رجالیانی مثل نجاشی طرق کوفی و غیر قمی را ترجیح می دادند.

تصحیح؛

در روایات ابن اذینه از زراره در کتاب *الکافی*، عارضه ارسال در هیچ سندی دیده نشد که نشان از دقت و امانتداری راویان و نویسندگان بعد از ابن اذینه است که روایات او را بدون سهو و اشتباه نقل یا نگارش کردند. فقط در یک روایت تعلیق دیده می شود:

- ابن ابی عمیر عن عمر بن اذینه عن زراره (ج ۷، ص ۳۶۱)؛ در این سند عبارت «علی بن ابراهیم عن ابيه» از ابتدای سند افتاده که مطابق با الگوی کلینی ارسال سند برطرف می شود.

۳-۴. الگوی کلینی (جمیل عن زراره)



۱

۲

کلینی ۷۳ روایت از جمیل بن دراج از زراره در الکافی ثبت کرده که در همه این احادیث، جمیل بن دراج (قبل ۲۰۳ ق) مستقیم و بدون واسطه ناقل از زراره بن اعین است و هیچ مورد استثنایی ندارد. از مجموع روایات ۵۹ روایت (۸۱٪) با الگوی به دست آمده، تطبیق هستند. الگوی اول در چهل و پنج روایت و الگوی دوم در شانزده روایت جاریست. همچنین الگوی دوم که به روایت علی بن حدید است، با طریق سوم نجاشی یکسان است. همچنین کلینی چهار روایت (ج ۶، صص ۶۸، ۷۰، ۸۷، ۸۹؛ ج ۷، ص ۸۳؛ ج ۷، ص ۴۴۷) را به واسطه «احمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر» به جمیل می رساند. او اهل کوفه، ثقه و از اصحاب اجماع است (نک: نجاشی، ص ۷۵؛ کشی، ص ۵۵۶)، اما راوی او در این اسناد، سهل بن زیاد (ز ۲۵۵ ق) از راویان ضعیف و غالی است (نجاشی، همان، ص ۱۸۵؛ غضائری، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۶۷).

این روایات معاضدی در طرق رجالیان ندارد و به نظر سست می رسد. لازم به تذکر است که سند پنج روایت به صورت تحویل است و کلینی برای آنها اسناد دیگری از جمله الگوی اول را هم ثبت کرده است. به نظر می رسد، کلینی نیز به خاطر ضعف سهل بن زیاد (ز ۲۵۵ ق) سند را بصورت تحویل آورده باشد.

تصحیح؛

-الحسین بن محمد عن معلى بن محمد عن وشاء عن جميل بن دراج عن محمد بن مسلم عن زرارة (ج ۲، ص ۶۳۰)؛ احتمال دارد «و» به «عن» تصحیف شده باشد؛ زیرا زراره (۷۸-۱۴۸ ق) از مشایخ روایی محمد بن مسلم (۸۰-۱۵۰ ق) نیست بلکه هم طبقه هستند و روایاتی که این دو محدث معطوف به هم هستند، مؤید مطلب است (برای نمونه نك: کلینی، ج ۲، ص ۲۲۰؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۶۴، کشی، ص ۴۳؛ برقی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۰ و...). همچنین جمیل راوی مستقیم^۱ زراره و محمد بن مسلم، هر دو است و هنگام نقل از آنها واسطه نمی گیرد.

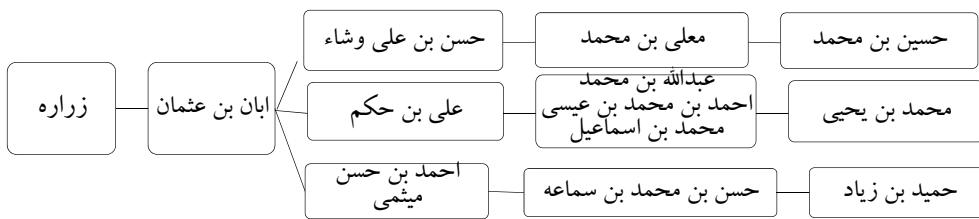
- و زاد فیه جمیل عن زرارة (ج ۲، ص ۳۸۳)، جمیل عن زرارة (ج ۸، ص ۳۴۵)؛ با توجه به الگوی مشهور کلینی و اینکه جمیل بن دراج از مشایخ ابن ابی عمیر است؛ می توان سند را چنین بازسازی نمود: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير قال و زاد فیه جمیل عن زرارة».

- عدة من اصحابنا عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن جميل عن زرارة (ج ۵، ص ۱۸۹)؛ در این سند حسین بن سعید مستقیم از جمیل روایت می کند که به نظر می رسد واسطه از سند افتاده باشد؛ زیرا با توجه به روایات حسین بن سعید در کتب روایی و سند دیگری در الکافی (ج ۳، ص ۲۲) نقل او از جمیل به واسطه «فضالة بن ایوب» صورت می گیرد؛ چنانکه در الگوی طوسی نیز همین طور است. بنابراین سند دچار ارسال شده و راوی افتاده، فضاله بن ایوب است. همچنین منظور از «عدة من اصحابنا» در ابتدای سند «محمد بن یحیی» است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. راوی مستقیم به شخصی گفته می شود که بدون واسطه از شخص دیگری حدیث می گوید و در سلسله اسناد، متأخر از شیخ روایی خود قرار می گیرد که به او راوی اول و حقیقی هم گفته می شود. شرط مهم اینست که نقل او به طور ثابت و همیشه، بدون واسطه و مستقیم باشد. همچنین توجه و دقت به مکان، عصر و طبقه^۲ راویان نیز مهم است.

۳-۵. الگوی کلینی (ابان عن زراره)



۱
۲
۳

ابان بن عثمان ۵۲ روایت از زراره در الکافی دارد که ۳۸ روایت (۷۳٪) تابع الگوی به دست آمده هستند. الگوی اول در نوزده روایت، الگوی دوم در نه روایت و الگوی سوم در ده روایت دیده می‌شود. روایت ابان از زراره جز در دو مورد که نیاز به بررسی دارد، مستقیم است:

- حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعه عن غیر واحد عن ابان بن عثمان عن عبدالرحمن بن یحیی عن زراره (ج ۵، ص ۵۳۳)؛ در این سند عبدالرحمن بن یحیی عقیلی واسطه روایت ابان از زراره است. او شخصیتی مجهول دارد و تنها در رجال طوسی و برقی نامش آمده است (نک: طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۴۰؛ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۴۹). وی جز همین روایت، هیچ نقل دیگری در کتب روایی شیعه ندارد. با این اوصاف این سند منفرد و شاذ می‌نماید.

- حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد الکندی عن غیر واحد عن ابان بن عثمان عن الفضیل عن زراره (ج ۸، ص ۲۹۵)؛ وساطت فضیل بن یسار بین ابان و زراره به نظر تصحیف می‌آید؛ زیرا فضیل (قبل ۱۴۸ ق) جزء شاگردان و راویان زراره (۷۸-۱۴۸ ق) نیست بلکه هم طبقه او محسوب می‌شود. همچنین روایاتی وجود دارد که این دو محدث به هم عطف شدند (برای نمونه نک: کلینی، ج ۳، ص ۴۵۷؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵۶؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۱۷۵؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۵ و...). بنابراین احتمالاً «عن» بدل از «و» عطف آمده است.

گفتنی است که در سی و چهار سند، نام «ابان» آمده که ممکن است با ابان بن تغلب (۱۴۱ ق) مشترک شود، اما با توجه به راویان قبل او اینکه در الکافی تنها یک سند ابان بن

تغلب راوی زراره است (ج ۴، ص ۱۴۰)، به احتمال قوی منظور از ابان، همان ابان بن عثمان احمري است و نام ابان بن عثمان به ابان بن تغلب تصحیف شده؛ زیرا در کتاب‌های حدیثی، نقل ابن ابی عمیر (۲۱۷ ق) از ابان بن تغلب (۱۴۱ ق) با واسطه انجام می‌گیرد^۱ (نک: کلینی، ج ۱، ص ۳۱؛ صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۰، ج ۲، ص ۴۴۸؛ همو، ۱۳۶۴، ص ۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ ق، ج ۲، ص ۴۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۸۸ و ...).

تصحیح؛

- حمید بن زیاد عن ابن سماعه عن عدّه عن ابان بن عثمان عن زراره (ج ۴، ص ۱۲۹)؛ سند هشت روایت دیگر که تابع الگوی سوم کلینی هستند (ج ۴، ص ۳۶۶، ۵۳۷، ۵۳۹؛ ج ۵، ص ۱۸۶؛ ج ۶، ص ۷۵؛ ج ۷، ص ۲۲۲، ۲۳۳؛ ج ۸، ص ۲۹۵)، دارای افتادگی «غیر واحد» هستند، به این معنا که محمد بن سماعه روایات ابان بن عثمان را از بیشتر از یک نفر شنیده است.

- أبان عن عبدالرحمن بن أبی عبدالله و زراره (ج ۴، ص ۲۹۷)، أبان عن زراره (ج ۸، ص ۲۳۸)؛ تعلیق این دو سند را با توجه به روایت قبل از آنها که بر اساس الگوی اول کلینی است، برطرف می‌کنیم؛ «الحسین بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علی عن ابان عن زراره». گفتنی است که تعلیق سند دیگری از روایات ابان در الکافی (ج ۶، ص ۲۱۴، ح ۵)، همین طور جبران می‌شود. البته لازم به توضیح است که سند روایت قبل از آن

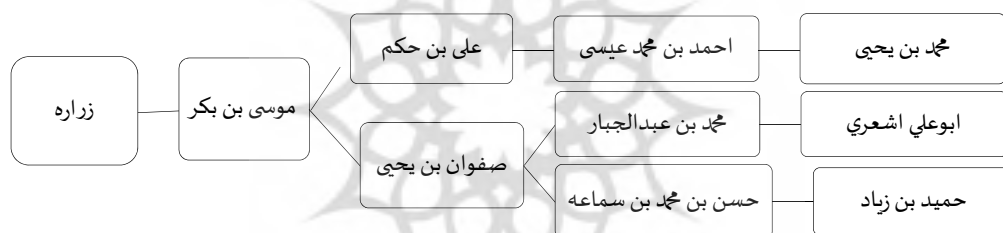
۱. البته در رجال کثی یک مورد استثناء وجود دارد که احتمال افتادگی راوی یا راویانی از سند وجود دارد (همو، ص ۳۳۰، ح ۶۰۳)؛ زیرا در روایت قبل از آن که اسناد مشابه هستند، ابن ابی عمیر به دو واسطه از ابان بن تغلب حدیث می‌گوید (همان، ح ۶۰۳). افزون بر آن ابان بن تغلب بن رباح اهل کوفه (برقی، ۱۳۸۳ ق، ص ۱۶) از راویان موثقی است که زمان امام سجاد (علیه السلام) و دو امام پس از ایشان را درک کرده و از راویان آنها محسوب می‌شود (نک: نجاشی، ص ۱۰؛ طوسی، بی‌تا، ص ۴۴).

وی در سال ۱۴۱ هجری در زمان حیات امام صادق (علیه السلام) از دنیا رفت (طوسی، ۱۳۸۱ ق، ص ۱۰۹)، اما ابن ابی عمیر اهل بغداد و از راویان امام موسی کاظم و امام رضا (علیهما السلام) است که در سال ۲۱۷ هجری فوت نمود (نک: نجاشی، ص ۳۲۶). پس او در زمان فوت ابان بن تغلب یا هنوز به دنیا نیامده و یا سن او کمتر از آن بوده که جزء محدثین قرار گیرد. نتیجه اینکه او راوی بدون واسطه ابان بن تغلب نیست، بلکه اساتید وی همچون؛ جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، عبدالرحمن حجاج، عبدالله بن سنان در طبقه شاگردان ابان بن تغلب قرار می‌گیرند.

افتادگی دارد؛ الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الوشاء عن عبدالرحمن بن أبی عبدالله» (ج ۶، ص ۲۱۴، ح ۳)؛ زیرا در اسناد مشابه (۲۹ مورد در کتب کلینی و طوسی)، حسن بن علی بن وشاء (ز ۲۰۳ ق) همیشه به واسطه ابان بن عثمان (۱۲۸- ز ۱۸۳ ق) از عبدالرحمن (ز ۱۴۸ ق) نقل می‌کند (نک: کلینی، ج ۳، ص ۴۹؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۶۹؛ همو، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۲۹ و ...). بنابراین راوی افتاده از سند ابان بن عثمان و سند معلق مطابق الگوی اول است.

- أبان عن زرارة (ج ۵، ص ۲۱۱)؛ ابتدای سند تعلیق دارد، از این رو آن را با سند قبل از آن را تطبیق می‌دهیم که بر اساس الگوی سوم کلینی است؛ «حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعه عن غیر واحد عن ابان عن زراره». روایت دیگری (ج ۵، ص ۳۶۰) با همین سند تعلیق دارد که این هم با روایت قبل از آن بر طرف می‌شود و مطابق الگوی دوم است؛ «محمد بن یحیی عن عبدالله بن محمد عن علی بن الحکم».

۳-۶. الگوی کلینی (موسی عن زراره)



موسی بن بکر ۴۹ روایت در الکافی از زراره دارد که ۳۷ روایت (هفتاد و پنج درصد) از الگوی به دست آمده تبعیت می‌کنند. الگوی اول مطابق با طریق رجالی نجاشی است که در بیست و شش روایت جاریست و الگوی دوم و سوم که به روایت صفوان تعلق دارد، در مجموع به یازده روایت اختصاص پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که روایاتی که موسی بن بکر از زراره؛ جز در یک مورد، به صورت مستقیم است که جای تأمل دارد:

- عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسين بن سعيد عن فضالة بن أيوب عن موسى بن بكر عن علي بن سعيد قال قال لي زرارة (ج ۷، ص ۱۰۴)؛ در این روایت علی بن سعید واسطه این بکر در نقل از زراره شده است. او مجهول است و در کتاب‌های رجال ناشناخته است.

مشایخ روایی کلینی در این الگو؛ احمد بن ادريس ابوعلی اشعری قمی (طوسی، بی تا، ص ۶۴)، حمید بن زیاد دهقان کوفی (نجاشی، ص ۱۳۲) و محمد بن یحیی عطار قمی (همان، ص ۳۵۳) هستند که بیانگر این مطلب است که روایات کلینی از موسی بن بکر از هر دو مکتب کوفه و قم نشأت می‌گیرد.

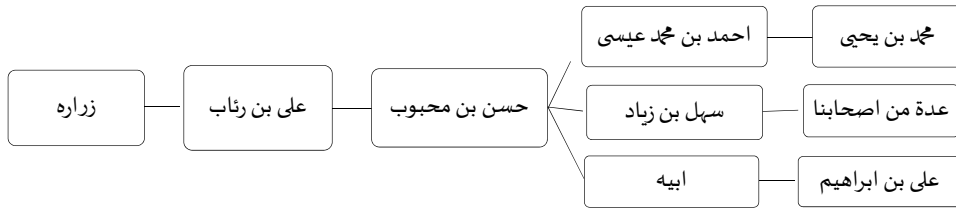
تصحیح؛

- محمد بن یحیی عن محمد بن الحسين بن العلاء بن رزین عن موسى بن بكر عن زرارة (ج ۴، ص ۹۸)؛ به نظر می‌رسد سند در دو مورد دچار تحریف شده باشد؛ اول اینکه علاء بن رزین (ز ۱۴۸ ق) از راویان موسی بن بکر (ز ۱۸۳ ق) نیست؛ زیرا جز همین روایت کلینی، حدیث دیگری از او ندارد و حتی در طریق موسی بن بکر قرار نمی‌گیرد. افزون بر آن آنها هر دو عصر امام صادق (علیه السلام) را درک کردند و علاء بن رزین قبل از موسی بن بکر از دنیا می‌رود و برخلاف موسی بن بکر، عصر امام موسی کاظم (علیه السلام) را درک نمی‌کند. بنابراین به نظر نمی‌رسد، علاء از موسی بن بکر روایت داشته باشد.

دوم اینکه روایت محمد بن حسین بن ابی‌خطاب (۲۶۲ ق) از علاء (ز ۱۴۸ ق) محل اشکال است؛ زیرا روایات او نشان می‌دهد که بدون واسطه از علاء نقل نمی‌کند، بلکه به واسطه راویان دیگری همچون؛ علی بن حکم (کلینی، ج ۳، ص ۱۲)، صفوان بن یحیی (محمد صفار، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۲) و حسن بن محبوب (کشی، ص ۱۳۳) از علاء حدیث می‌گوید. به عبارتی مشایخ او جزء شاگردان و راویان علاء هستند، نه خود او که تاریخ وفاتش بیش از یک قرن با تاریخ وفات علاء اختلاف دارد. بنابراین سند مذکور ارسال و تصحیف را با هم دارد و از اعتبار ساقط است.

- عنه عن صفوان عن موسى بن بكر عن زرارة (ج ۶، ص ۷۶، ۸۲، ۸۸؛ ج ۷، ص ۶۸)؛
ابتدای این اسناد تعلیق دارد که با استمداد از الگوی سوم کلینی، رفع می شود.
- أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن موسى بن بكر عن زرارة (ج ۵، ص ۴۷۸؛
ج ۶، ص ۲۰۶)؛ با توجه به الگوی اول کلینی، راوی افتاده «محمد بن یحیی» است.

۳-۷. الگوی کلینی (ابن رثاب عن زراره)



۱
۲
۳

در الکافی علی بن رثاب ۴۲ روایت از زراره نقل می کند که همه روایات؛ جز یک روایت «حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد عن ابن محبوب عن ابن رثاب عن زرارة» (ج ۵، ص ۳۰۳) بر اساس الگوی به دست آمده، هستند؛ حمید بن زیاد (۳۱۰ ق) و حسن بن محمد بن سماعه (۲۶۳ ق) هر دو کوفی، ثقه و واقفی هستند.
کلینی سه الگو برای کتاب ابن رثاب دارد که الگوی سوم با طریق طوسی منطبق است. احمد بن محمد بن عیسی در ۲۴ سند، سهل بن زیاد در ۲۱ سند و ابراهیم بن هاشم در ۱۶ سند، راوی حسن بن محبوب می شوند، البته این اسناد اغلب به صورت تحویل (یک روایت با چند سند) آمدند. گفتنی است الگوی دوم کلینی به خاطر سهل بن زیاد (ز ۲۵۵ ق) که از راویان ضعیف محسوب می شود، شاذ است و با طرق رجالی متفاوت است. روایت علی بن رثاب به زراره مستقیم است و تنها در دو روایت واسطه می گیرد که جای تأمل دارد:

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن محبوب عن ابن رثاب عن ابن ابي بكير عن زرارة (ج ۶، ص ۱۷۴)؛ این سند بر اساس الگوی سوم کلینی است. به نظر می رسد «عن» بدل از «و»

آمده و سند تصحیف شده باشد^۱ (نک: همین پژوهش، الگوی روایات عبدالله بن بکیر، الگوی کافی).

- عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد و محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد جميعاً عن ابن محبوب عن علی بن رثاب عن معاذ عن زرارة (ج ۷، ص ۲۳)؛ در این روایت وجود «معاذ» اضافه و سند از نوع مزید است؛ زیرا همین روایت را صدوق در من لا یحضر (ج ۴، ص ۱۹۴) و طوسی در التهذیب (ج ۶، ص ۱۸۷) آوردند و ابن رثاب هیچ واسطه‌ای ندارد. همچنین در میان روایات زراره نام معاذ در سلسله اسناد او یافت نشد.

حلقه مشترک در تمامی روایات «حسن بن محبوب» است؛ جز در دو مورد:

- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن أحمد بن عمر عن درست الواسطی عن علی بن رثاب عن زرارة (ج ۵، ص ۳۵۸)؛ در این سند درست واسطی، واقفی مذهب (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۳۶؛ کشی، همان) بدل از ابن محبوب (۱۴۹-۲۲۴ق) قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در کتب روایی جز همین روایت هیچ نقلی از او از ابن رثاب یافت نشد. همچنین احمد بن عمر بن ابی شعبه حلبی هم فقط در این روایت راوی واسطی شده است. نکته دیگر اینکه احمد بن محمد بن عیسی در نقل هایش با یک واسطه (حسن بن محبوب) از علی بن رثاب حدیث می گوید.

الگوی اول و سوم کلینی مورد کاربرد دیگر محدثان هم بوده است.

تصحیح؛

- محمد عن أحمد عن ابن محبوب عن ابن بکیر عن علی بن رثاب عن زرارة (ج ۶، ص ۱۰۷)؛ به نظر می رسد ابن بکیر معطوف به ابن رثاب باشد و «عن» تصحیفی از «و» باشد؛ زیرا مطابق الگوی کلینی و همچنین طرق رجالیان، حسن بن محبوب (۱۴۹-۲۲۴ق) بدون واسطه از ابن رثاب نقل می کند. خوبی نیز روایت ابن بکیر از علی بن رثاب را ثابت نمی داند (نک: خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲، ص ۲۱).

۱. شیخ حر عاملی هم در کتاب وسائل الشیعه همین روایت را آورده و سند را همانطور تصحیح کرده است: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن محبوب عن ابن رثاب و ابن ابی بکیر جميعاً عن زرارة» (نک: همو، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۲۶۶).

- أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن علی بن رثاب عن زراره بن أعین (ج ۵، ص ۳۹۲)؛ با توجه به الگوی اول کلینی، «محمد بن یحی» از ابتدای سند افتاده است.
- ابن محبوب عن علی بن رثاب عن زراره (ج ۵، ص ۳۵۷، ح ۴)؛ با توجه به روایت قبل از آن که بر اساس الگوی سوم کلینی است (ج ۷، ص ۳۵۶، ح ۲)، راوی می که از ابتدای سند افتاده «علی بن ابراهیم» (۳۰۷ ق) است.
- ابن محبوب عن علی بن رثاب عن زراره (ج ۸، ص ۱۴۵)؛ با توجه به روایتی که قبل از سند مورد نظر آمده (ج ۸، ص ۱۴۴، ح ۱۱۳)، آن را بازسازی می کنیم که با الگوی اول منطبق می شود.

نتیجه گیری

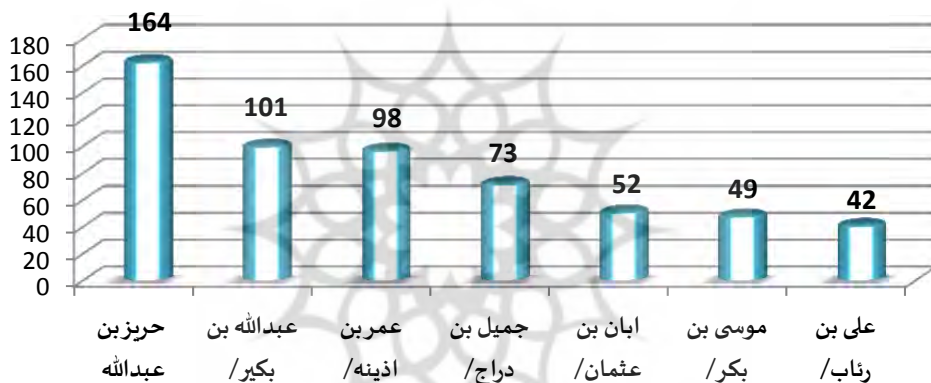
بی تردید یکی از مهم ترین و برجسته ترین کتاب های حدیثی امامیه که اکنون موجود و در دسترس است، کتاب *الکافی* است. از این رو با ملاک و معیار قرار دادن این کتاب و نیز در نظر گرفتن جوامع نخستین امامی همانند *المحاسن برقی* و *بصائر الدرجات صفار و النوادر اشعری* به عنوان شاهد، اسناد روایات زراره بن أعین جستجو و واکاوی و با طرق نجاشی و طوسی مقایسه شد تا به الگوها و مجاری پر کاربرد به کتاب زراره پی بردیم که به دنبال خود فواید بسیاری داشت.

نواقص بسیاری از اسناد با کمک الگوها برطرف شد، به طوری که در بخش تصحیح پژوهش، افتادگی ها (ارسال)، تبدیل و تغییر اسامی و حروف (تصحیف و تحریف)، عبارت های اضافی (مزید) در سند شناسایی و ترمیم و باسازی می شدند. همچنین در برخی اسناد، نام راوی میان دو نفر یا بیشتر مشترک بود که الگوها به تشخیص راویان مشترک در سند کمک می کرد. البته رفع نواقص و مشکلات اسناد تنها به اسناد محدثان محدود نمی شود و طرق رجالی را نیز پوشش می دهد. قابل توجه است اسنادی که راویانش افرادی ضعیف، مجهول و ناشناخته بودند و با الگوی کلینی و طرق رجال شناسان اختلاف داشتند؛ میزان اعتبارشان اندک و خدشه پذیر بود.

کشف اسناد ثابت کلینی، رسم شبکه اسناد و تعیین حلقه مشترک در شناسایی تاریخ و تطور ادوار حدیث امامیه نیز مفید بود؛ زیرا برخی از شیوه‌ها که در سده‌های چهارم به بعد برای دستیابی به کتاب زراره رایج شدند در جوامع نخستین امامی از جمله *الکافی* نشانی ندارند که می‌تواند نشانه کم اعتبار دانستن کتاب در این تاریخ باشد. گفتنی است با این نوع بررسی می‌توان احادیث بر بسته به راوی کهن و سده دومی را استخراج و شناسایی کرد.

از مهمترین نتایج این پژوهش تعیین و معرفی پرروایت‌ترین راویان زراره است؛ با اینکه زراره بن أعین راویان بسیاری داشته اما هشتاد درصد روایات او را هفت نفر نقل کردند که از رجال امامی ثقه یا ممدوح کوفی بودند. نقل آنها از زراره مستقیم و بدون واسطه بود؛ جز مواردی اندک که بررسی شدند و سند آنها نقص داشت.

جدول ذیل در ارتباط با تعداد روایات راویان اول زراره است:



نزدیک به $\frac{2}{3}$ از کل روایات زراره را در *الکافی* حریز بن عبدالله، عبدالله بن بکیر و عمر بن اذینه نقل کردند. بنابراین الگوی روایات آنها نیز مهم‌تر از دیگر راویان است که از میان اسناد روایات عمر بن اذینه عاری از نقص بود که همین باعث اطمینان و اعتبار بیشتر آن دست از احادیث زراره می‌شود که از طریق ابن اذینه نقل شده است.

روایات «حریز» از زراره را حماد بن عیسی نقل می‌کرد و حضور او در بیشتر روایات دلالت بر تاریخی بودن سند دارد. الگوی کلینی با طرق رجالی بویژه طوسی تطابق دارد و

نشان از اشترک مجرای کلینی و رجالیان برای دستیابی به کتاب زراره است. بنابراین اسناد از قوت و اعتبار بیشتری برخوردارند و معمولاً مسند، متصل و عاری از شذوذ هستند.

روایات «عبدالله بن بکیر» از زراره را راویان بسیاری نقل می‌کردند، به همین خاطر متفاوت از حریز، روایات او از مجراهای متعددی به دست آمده است، اما حسن بن علی بن فضال نسبت به دیگر روات، سهم بیشتری در نقل از ابن بکیر از زراره داشت. از آنجا که الگوی کلینی در دیگر منابع روایی نیز کاربرد دارد، می‌توان آن را رایج‌ترین شیوه دستیابی محدثان به کتاب زراره با نشر عبدالله بن بکیر دانست، به ویژه که مشابه طرق طوسی است.

درباره «عمر بن اذینه» لازم به ذکر است که محمد بن ابی عمیر در جایگاه حلقه‌ی مشترک اصلی، ناشر روایات او از زراره بود. الگوی کلینی تنها در حلقه مشترک با طرق رجالی شبیه بود و در مکتب قم جریان داشت که از این جنبه با طرق رجالی متفاوت بود. این مطلب نشان می‌دهد محدثان از اسناد قمی‌ها (علی ابراهیم و پدرش) برای زراره استفاده کردند اما رجالیانی مثل نجاشی طرق کوفی و غیر قمی را ترجیح می‌دادند.

چهارمین نفری که بیشترین نقل از زراره را دارد «جمیل بن دراج» است که هم در طرق رجالی و هم در الگوی کلینی؛ ابن ابی عمیر و علی بن حدید ناشران روایات او از زراره هستند. الگوی کلینی محل استفاده دیگر محدثان نیز بوده است اما با طرق رجالی تطبیق ندارد و تنها الگوی دوم را با نجاشی مشترک است.

روایات «ابان بن عثمان» را فضال بن ایوب و حسن بن علی و شاء نشر دادند که با طرق رجالی متفاوت بود. به نظر می‌رسد این تفاوت از این جهت باشد که رجال شناسان کتاب‌هایی از ابان را در اختیار داشتند که در آن روایات زراره بسیار اندک بوده است. روایات «موسی بن بکر» را صفوان بن یحیی و علی بن حکم و نشر می‌دهند. گفتنی است الگوی کلینی با طریق نجاشی منطبق است. برای روایات «علی بن رئاب» حسن بن محبوب نقش ناشر روایات را داشت. کلینی تقریباً کل روایات ابن رئاب را از سه راه به دست آورده که دو الگوی او با طرق صدوق و طوسی همسان است و الگوی متفاوت به دلیل ضعف سهل بن چندان معتبر نیست.

با کشف الگوها و نیز تعیین پروایت ترین راویان زراره به دنبال آن حلقه‌های مشترک نیز مشخص شد. آن‌ها به تعبیر ینبل دیرین‌ترین راوی شبکه اسناد زراره هستند که به روایات این محدث بزرگ امامی اعتبار تاریخی می‌بخشند. برخی راویان بیش از یک حلقه مشترک داشتند؛ مانند ابان بن عثمان و موسی بن بکر. تعدد حلقه مشترک بیانگر این نکته است که مجرا و طرق دستیابی به روایات یک راوی متفاوت است و محدثان و رجالیان اشتراک طریق نداشته‌اند.

از میان حلقه‌های مشترک نقش حماد بن عیسی و محمد بن ابی عمیر برای نشر روایات زرارۀ بن‌اعین بیش از دیگران بود؛ زیرا آنها ناقل پروایت‌ترین راویان زراره بودند و بخش عظیمی از روایات مذکور توسط همان‌ها به قم منتقل شده است. آن‌ها هر دو ساکن کوفه و ثقه بودند که به عنوان نقطه قوت باعث افزایش اعتماد به اسناد روایات منتهی به زراره می‌شوند. حلقه‌های مشترک علاوه بر نشر احادیث، عاملان انتقال روایات یک مکتب حدیثی (کوفه) به مکتبی دیگر (قم) هستند.

از میان طرق رجالی، طرق نجاشی کمترین کاربرد را در مجموعه احادیث زراره داشته و بیش از همه طرق طوسی رایج بوده است؛ زیرا طرق نجاشی بیش از همه به مشایخ بغداد و عراق وابسته است اما طوسی با آنکه هم‌عصر و هم‌شهری نجاشی بوده، به سبب نوشتن کتاب حدیثی به احادیث و اسناد کلینی و مکتب قم نزدیک‌تر بوده است (نک: فرجامی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳۴).

| معرفی حلقه‌های مشترک |
|---|
| حماد بن عیسی جهنی (کوفی و موثق ^۱ و از اصحاب اجماع ^۲) |
| حسن بن علی بن فضال تیمی (کوفی و موثق ^۳ ، از اصحاب اجماع ^۴) |
| محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ازدی (اهل بغداد و موثق ^۵ ، از اصحاب اجماع ^۶) |
| علی بن حکم بن زبیر نخعی انباری (کوفی و جلیل القدر ^۷) |
| حسن بن علی و شاء (کوفی و از وجوه امامیه ^۸) |
| صفوان بن یحیی بجلي (کوفی و موثق ^۹ ، از اصحاب اجماع ^{۱۰}) |
| حسن بن محبوب سراد (کوفی و موثق ^{۱۱} ، از اصحاب اجماع ^{۱۲}) |

۱. نک: نجاشی، ص ۱۴۲؛ طوسی، بی تا، ص ۱۵۶

۲. نک: کشی، ص ۳۷۵.

۳. طوس، همان، ص ۲۳.

۴. کشی، ص ۵۵۶.

۵. نجاشی، ص ۳۲۷، طوسی، همان، ص ۴۰۵.

۶. کشی، ص ۵۵۶.

۷. طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۶۱؛ بی تا، ص ۲۶۳.

۸. نجاشی، ص ۳۹.

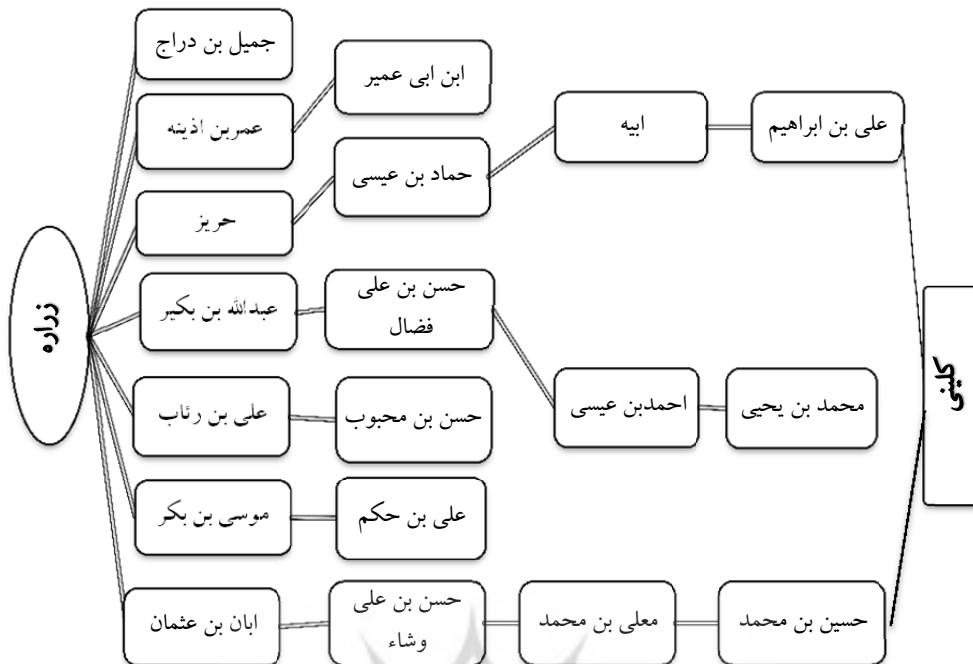
۹. نجاشی، ص ۱۹۷؛ طوسی، بی تا، ص ۲۴۱.

۱۰. کشی، همان.

۱۱. طوسی، بی تا، ص ۱۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۷.

۱۲. کشی همان.

الگوهای پر کاربرد و اصلی کلینی به کتاب زراعه



منابع

- قرآن کریم.
- آقایی، سید علی (۱۳۸۵)، تاریخ گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد: نقد و بررسی روش شناسی خوتیر نیل، علوم حدیث، ش ۴۱، سال یازدهم.
- ابن داوود، حسن بن علی (۱۳۸۳ ق)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن ماکولا، علی بن هبة الله (بی تا)، اکمال الکمال، قاهره: دارالکتب الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران.
- ابن حبان بُستی، ابوحاتم محمد (۱۳۹۳ ق)، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، هند: موسسه الکتب الثقافیه.

- ابن حجر عسقلانى، شهاب الدين ابوالفضل احمد بن على (١٩٧١م)، **لسان الميزان**، چاپ دوم، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن طاووس، رضى الدين على بن موسى (١٤٠٠ق)، **الطوائف فى معرفة مذاهب الطوائف**، قم: چاپخانه خيام.
- ابن عساكر، على بن حسن بن هبة الله (١٩٩٥م)، **تاريخ مدينة دمشق**، تحقيق على شيرى، بيروت: دارالفكر.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ ق)، **كامل الزيارات**، انتشارات مرتضويه نجف اشرف.
- اشعري، احمد بن محمد بن عيسى (١٤٠٨ ق)، **النوادر**، قم: انتشارات مدرسه امام مهدى (عج).
- برقى، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١ ق)، **المحاسن**، دار الكتب الإسلامية قم.
- _____، (١٣٨٣ ق)، **الرجال**، تهران: دانشگاه تهران.
- بروجردى، سيد على (١٤١٠ ق)، **طوائف المقال**، تحقيق سيد مهدى رجائى، چاپ اول، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى.
- حاتمی مهر، سمیرا (١٣٩٣ ش)، **الكويابى و مقایسه اسناد محدثان و رجالیان به كتاب زراره و محمد بن مسلم**، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایى دکتر اعظم فرجامى، دانشگاه رازى کرمانشاه.
- حسینی عاملی، محسن امین (١٩٨٣ م)، **أعيان الشيعة**، تحقيق حسن الأمين، لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.
- حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق)، **وسائل الشيعة**، قم: مؤسسه آل البيت.
- حلى، نجم الدين ابوالقاسم جعفر بن حسن (١٣٦٤ ق)، **المعتبر فى الشرح المختصر**، تحقيق عدة من الأفاضل، قم: مدرسه الإمام أمير المؤمنين (ع)، مؤسسه سيد الشهداء (ع).
- حميرى قمى، عبدالله بن جعفر (بى تا)، **قرب الإسناد**، تهران: انتشارات كتابخانه نينوى.
- خطيب بغدادى، ابواحمد بن على (١٩٩٧ م)، **تاريخ بغداد**، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
- خوئى، ابوالقاسم (١٤١٠ ق)، **معجم رجال الحديث**، قم: مركز نشر آثار شيعه.
- دارقطنى، على بن عمر (١٤٠٦)، **المؤتلف و المختلف**، بيروت: چاپ موفق بن عبدالله بن عبدالقادر.

- زراری، ابو غالب (۱۳۹۹ ق)، **تاریخ آل زراره**، علی بن مرتضی موسوی، «بی جا»: چاپ ربّانی.
- زرکلی، خیر الدین (۲۰۰۲ م)، **الأعلام**، بیروت: دار العلم للملایین.
- شهید ثانی، زین الدین علی (۱۴۱۶ ق)، **مسالك الأفهام**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- _____، (۱۴۰۸ ق)، **الرعاية فی علم الدراية**، تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، **الأمالی**، انتشارات کتابخانه اسلامیة.
- _____، (۱۳۶۴ ش)، **ثواب الأعمال**، قم: انتشارات شریف رضی.
- _____، (بی تا)، **علل السرائع**، قم: انتشارات مکتبه الداوری.
- _____، (۱۳۹۵ ق)، **کمال الدین**، قم: دار الکتب الإسلامیة.
- _____، (۱۳۶۱ ش)، **معانی الأخبار**، انتشارات جامعه مدرسین قم.
- _____، (۱۴۰۴ ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)، **بصائر الدرجات**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق)، **الإستبصار**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____، (۱۴۱۴ ق)، **الأمالی**، قم: انتشارات دارالثقافة.
- _____، (۱۳۶۵ ش)، **التهذیب**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____، (۱۳۸۱ ق)، **الرجال**، نجف: انتشارات حیدریه.
- _____، (۱۴۱۱ ق)، **الغیبه**، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- _____، (بی تا)، **الفهرست**، نجف: المکتبه المرعشیة.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق)، **خلاصه الأقوال فی علم الرجال**، قم: دار الذخائر.
- غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹ ش)، **دراسات فی علم الدراية**، چاپ اول، تهران: جامعه الإمام الصادق ع.
- غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ ق)، **الرجال**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فرجامی، اعظم (۱۳۹۰ ش)، **زنان قرآنی از حوا تا مریم**، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

- _____، (۱۳۹۰ ش)، «تأثیر زیدیه بر حدیث امامیه»، پایان نامه دکتری، به راهنمایی دکتر محمد کاظم ستایش، دانشگاه تربیت مدرس قم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *التفسیر*، تصحیح سید طیب جزایری، چاپ سوم، قم: دار الکتاب.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ ش)، *الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۵ ق)، *خاتمه المستدرک*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- مدرسی طباطبایی، حسن (۱۳۸۶ ش)، *میراث مکتوب شیعه*، قم: نشر مورخ.
- مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد (۱۹۹۳ م)، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، سید محمود زرندی، چاپ دوم، بیروت - لبنان: دار المفید.
- _____، (۱۴۱۳ ق)، *الامالی*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- _____، (۱۴۱۴ ق)، *فصول المختار*، تحقیق علی میرشریفی، چاپ دوم، بیروت: دار المفید.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ ق)، *الرجال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۹۳۱ م)، *فرق الشیعه*، ویراسته اچ ریتر، استانبول.
- هیئت تحریریه (۱۳۴۰ ش)، «زندگینامه آیت الله بروجردی»، *مکتب اسلام*، شماره سوم، سال سوم.